

مصادیق فساد اقتصادی و راهکارهای مقابله با آن در حکومت علوی

حسین فلاحی اصل*

استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه لرستان، خرم آباد، ایران

لیلا زارعی شهامت

دکتری علوم و معارف نهج البلاغه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۱۹

چکیده

هدف این مقاله بهره‌گیری از برخی آموزه‌های علوی در زمینه‌ی مبارزه با مفاسد اقتصادی است. عدالت در اندیشه سیاسی اسلام محور است و دوره حکومت امام علی (ع) در کوفه، الگوی کامل برپایی عدالت برای مدیران و مسئولان نظام اسلامی است ضمن اینکه شیوه حکومتی امام علی (ع)، به دلیل شخصیت والای ایشان و نیز قلمروی گسترده تحت حاکمیتشان می‌تواند الگویی مناسبی جهت پیشگیری، کنترل و یا کاهش جرایم در کشور ایران باشد.

این پژوهش در پی آن است که با استفاده از کلام امام علی (ع) و با روش توصیفی-تحلیلی و با رویکرد روایی به بررسی مصادیقی از مفاسد اقتصادی و راهکارهای مبارزه با آن بپردازد. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که امام علی (ع) با شناسایی موارد فساد و نظارت بر عملکرد کارگزاران توسط نهادهای نظارتی و گزارش‌های مردمی و در نهایت با استفاده از ابزارهای سرکوب‌گرانه به مبارزه با مفاسد اقتصادی در جامعه خویش دست زد. در کنار این مبارزه، تفاوت قائل شدن بین جرایم افراد عادی با جرایم کارگزاران از نکات قابل تأملی است که می‌تواند الگویی مناسب برای سیاست‌گذاران در عرصه عدالت کیفری باشد.

واژگان کلیدی: نهج البلاغه، عدالت، فساد اقتصادی، پیشگیری، مجازات

* نویسنده مسئول: falahi.h@lu.ac.ir « روش ارجاع به این مقاله: فلاحی اصل، حسین و زارعی شهامت،

لیلا؛ (۱۴۰۳). مصادیق فساد اقتصادی و راهکارهای مقابله با آن در حکومت علوی، دو فصلنامه علمی تفسیر متون

۱. مقدمه

سیر تطور و تحول تمدن‌ها در طول حیات بشر نشان می‌دهد که هر تمدنی دوران شکل‌گیری، اوج و انحطاطی را پشت سر گذاشته است. با بررسی سرگذشت اقوام مختلف می‌توان دریافت که فساد به طور کلی و فساد اقتصادی به صورت ویژه، در ایجاد و گسترش ضعف در میان آن‌ها تأثیر اساسی داشته است و در بسیاری از موارد عامل اصلی برای فروپاشی نظام بوده است و این امری است که پیامبر اکرم (ص) در ضمن حدیثی به آن اشاره کرده است: «الْمَلِكُ يَبْقَى مَعَ الْكُفْرِ وَ لَا يَبْقَى مَعَ الظُّلْمِ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵). حکومت با بی‌دینی برجای می‌ماند ولی با ستمگری (که نوعی از فساد است) باقی نمی‌ماند. در این میان ملتی که با شناسایی عوامل ضعف و فسادانگیز خود در پی اصلاح آن برآمدند، می‌توانند خود را از هلاکت نجات دهند.

در سال‌های اخیر موضوع فساد، به دلیل اثرات زیانباری که بر توسعه اقتصادی کشورها داشته است به یکی از موضوعات مهم و البته یکی از دغدغه‌های اصلی کشورها در فرایند توسعه یافتگی تبدیل شده است. تا آنجا که جهانی‌شدن فساد در قرن بیستم موجب شد تا جامعه جهانی در دهه‌ی اخیر با درک واقع‌بینانه‌ای از نگرانی‌های خود از این پدیده‌ی سرطانی، کنوانسیون مبارزه با فساد را به موجب قطعنامه‌ی شماره‌ی ۵۸/۴ مورخ ۳۱ اکتبر ۲۰۰۳ مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب برساند. کنوانسیون هم‌اکنون با ۱۷۸ عضو به عنوان جامع‌ترین سند بین‌المللی مبارزه با فساد تلقی می‌شود (خدمتی، ۱۳۹۷).

در نظام جمهوری اسلامی ایران نیز این موضوع یکی از اولویت‌های جدی و دغدغه‌های اساسی مقامات عالی نظام بوده است که با تصویب مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۱۳۸۵/۳/۲۱ جمهوری اسلامی ایران نیز به عضویت کنوانسیون مبارزه با فساد درآمد و دارای مسئولیت بین‌المللی در اجرای تعهدات آن است (خدمتی، ۱۳۹۷). قانون ارتقا سلامت

اداری در تاریخ ۱۳۹۰/۸/۸ توسط مجمع تشخیص مصلحت نظام گام دیگری در جهت مبارزه با فساد در سطح داخلی تلقی می‌شود (همان). همچنین فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری که به عنوان فرمان حکومتی منجر به تشکیل ستاد مبارزه با فساد اقتصادی در سال ۱۳۸۰ گردید، را می‌توان به عنوان فصل مهمی در تقویت روند مبارزه با فساد در جمهوری اسلامی دانست.

مقام معظم رهبری در مقدمه این فرمان هشت ماده‌ای آورده‌اند: «حکومتی که مفتخر به الگو ساختن نظام علوی است باید در همه حال تکلیف بزرگ خود را کم کردن فاصله‌ی طولانی خویش با نظام آرمانی علوی و اسلامی بداند و این جهادی از سر اخلاص و همتی سستی ناپذیر می‌طلبد. جمهوری اسلامی که جز خدمت به مردم و افزایش پرچم عدالت اسلامی، هدفی ندارد نباید در این راه دچار غفلت شود. رفتار قاطع و منصفانه‌ی علوی را باید در مد نظر داشته باشد و به کمک الهی و حمایت مردمی که عدالت و انصاف را قدر می‌دانند تکیه کند... امروز کشور ما تشنه‌ی فعالیت اقتصادی سالم و ایجاد اشتغال برای جوانان و سرمایه‌گذاری مطمئن است و این همه به فضایی نیازمند است که در آن سرمایه‌گذار و صنعتگر و عنصر فعال در کشاورزی و مبتکر علمی و جوینده کار و همه‌ی قشرها، از صحت و سلامت ارتباطات حکومتی و امایت و صداقت متصدیان امور مالی و اقتصادی مطمئن بوده و احساس امنیت و آرامش کنند. اگر دست مفسدان و سوء استفاده کنندگان از امکانات حکومتی قطع نشود و اگر امتیاز طلبان و زیاده‌خواهان پر مدعا و انحصار جو طرد نشوند سرمایه‌گذار و تولیدکننده و اشتغال طلب همه احساس ناامنی و نومیدی خواهند کرد و کسانی از آن به استفاده از راه‌های نامشروع و غیرقانونی تشویق خواهند شد» (خامنه‌ای، ۱۳۸۰).

پژوهش حاضر در پی آن است که زوایای مختلف فساد اقتصادی و راهکارهای مقابله با آن را بر اساس سیره امام علی (ع) مورد بررسی قرار دهد.

۱-۱) بیان مسأله

امام علی (ع) در مدت چهار سال و ده ماه و سه روزی که حاکم جهان اسلام بودند توانستند به عدالت اقتصادی دست یابند؛ لذا نقطه نظرات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایشان به عنوان یک شخصیت الهی و سیاسی - حائز اهمیت است. مهم‌ترین مسأله این پژوهش بررسی روش‌های مقابله با مفاسد اقتصادی در حکومت علوی است به این معنا که امام (ع) در مدت کوتاه حکومت خویش چه راهکارهایی برای پیشگیری و مقابله با مفاسد اقتصادی بکار بردند که توانستند به عدالت اقتصادی دست یابند. در پژوهش حاضر با روش توصیفی - تحلیلی با تکیه بر محتوای غنی نهج‌البلاغه مصادیقی از مفاسد اقتصادی احصا شده سپس راهکارهای را بر اساس کلام امام علی (ع) برای کنترل و رفع آن ارائه می‌دهد. سؤالی که این پژوهش درصدد پاسخگویی به آن است، این خواهد بود که مفاسد اقتصادی کدامند؟ تدابیر پیشگیرانه و جزایی برای مقابله با آن چیست؟

۱-۲) پیشینه پژوهش

با وجود پژوهش‌های بسیاری که به منظور شناسایی، یافتن علل و پیامدها و در نهایت تدوین سیاست‌های مقابله با فساد اقتصادی صورت گرفته است؛ اما کم‌تر به نگرش اسلامی در این خصوص پرداخته شده است. در منابع تاریخی و روایی نیز در تبیین اقدامات در زمینه اصلاحات اقتصادی مطالبی پراکنده وجود دارد؛ اما منابعی که به صورت مستقل به این نوشتار مربوط باشند عبارتند از: مقاله‌ی آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی (ع) در نهج‌البلاغه؛ محمد مولایی ۱۳۹۲ در پژوهش‌نامه نهج‌البلاغه شماره ۴. مقاله‌ی دیگر

روش‌های مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی؛ رضا حاجیان حسین آبادی، ۱۳۹۸ در پژوهش‌های نهج‌البلاغه شماره ۶۱ و مقاله‌ی سازوکارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (علیه السلام)؛ محمد حسین سرکشیکیان ۱۳۸۸ در فصلنامه کارآگاه شماره ۷. همان‌گونه که ملاحظه می‌شود برخی از منبع فوق به مفاسد اقتصادی اشاره نموده‌اند و برخی به اصلاحات حضرت (ع) اشاره کرده‌اند اما هیچ یک به صورت مستقل به موضوع مفاسد اقتصادی و راهکارهای مقابله با آن نپرداخته‌اند لذا این نوشتار با رویکرد توصیفی-تحلیلی به بررسی مصادیقی از مفاسد اقتصادی و راهکارهای پیشگیرانه و جزایی برای مقابله با آن خواهد پرداخت.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱) تعریف فساد و فساد اقتصادی

فساد یک پدیده‌ی ناهنجار سیاسی، اقتصادی و فرهنگی فراگیر است که تمامی کشورها با آن مواجه هستند. فساد در لغت در معانی نابود شدن، از بین رفتن، تباه شدن، فتنه، زیان، تباهی، فسق و فجور، دشمنی و مال کسی را به ستم گرفتن به کار رفته است. فساد کردن نیز به معنی فتنه بر پا کردن، نافرمانی و گناه کردن به کار می‌رود (معین، ۱۳۸۴). در لغت عربی فساد به معنای تباهی، اخلال، منع از رسیدن به یک هدف مشخص و جلوگیری از انجام اعمال درست است (دادگر و معصومی‌نیا، ۱۳۸۶).

فساد اقتصادی به معنای سوء استفاده از موقعیت‌های قدرت برای کسب منافع شخصی است. این پدیده شامل رشوه‌خواری، اختلاس، پارتی‌بازی و دیگر اشکال سوء استفاده از منابع عمومی می‌شود (العلی، ۲۰۱۵). فساد به طور کلی به سه دسته اقتصادی (مالی)، سیاسی (مقامات بلندپایه) و اداری (دیوانسالاری) تقسیم می‌شود (خدمتی، ۱۳۹۷). در این

مقاله تنها به فساد اقتصادی پرداخته خواهد شد. فساد اقتصادی به معنای نقض قوانین موجود برای تأمین منافع شخصی است. سطح بالای فساد اقتصادی سبب ناکارآمدی سیاست‌های دولتی می‌شود (خدمتی، ۱۳۹۷). بنابراین فساد پدیده‌ای اجتماعی و فراگیر است که در تمام انواع آن، جایگزینی منافع خصوصی و شخصی به جای منافع عمومی و دولتی، تعمدی بودن و غیرقانونی بودن مشاهده می‌شود.

۲-۲) رابطه عدالت و مقابله با فساد اقتصادی

فساد اقتصادی به عنوان سوء استفاده از قدرت برای کسب منافع شخصی، یکی از موانع اصلی توسعه پایدار در بسیاری از کشورهاست. این پدیده نه تنها منابع اقتصادی را به‌طور ناعادلانه توزیع می‌کند، بلکه اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی را نیز تضعیف می‌نماید. از سوی دیگر، عدالت به عنوان مفهومی چندبعدی، شامل عدالت توزیعی، رویه‌ای و تعاملی، می‌تواند به عنوان ابزاری قدرتمند در مقابله با فساد عمل کند. این مقاله به بررسی رابطه بین عدالت و مقابله با فساد اقتصادی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه تحقق عدالت در ابعاد مختلف می‌تواند به کاهش فساد کمک کند.

عدالت به معنای برابری در توزیع منابع، فرصت‌ها و حقوق است. این مفهوم شامل عدالت توزیعی (توزیع عادلانه منابع)، عدالت رویه‌ای (رعایت انصاف در فرآیندها) و عدالت تعاملی (رفتار منصفانه با افراد) می‌شود (ملکیان، ۱۳۸۵). عدالت به عنوان یک اصل بنیادین، می‌تواند به کاهش فساد اقتصادی کمک کند. در ادامه، این رابطه در ابعاد مختلف بررسی می‌شود:

۱. عدالت توزیعی و کاهش فساد: توزیع عادلانه منابع و فرصت‌ها می‌تواند به کاهش انگیزه‌های فساد کمک کند. هنگامی که افراد احساس کنند منابع به‌طور عادلانه توزیع

شده‌اند، تمایل کمتری برای مشارکت در فعالیت‌های فسادآمیز خواهند داشت (نصر، ۱۳۹۰).

۲. عدالت رویه‌ای و شفافیت: رعایت عدالت در فرآیندهای تصمیم‌گیری و اجرای قوانین می‌تواند به شفافیت بیشتر و کاهش فساد منجر شود. هنگامی که فرآیندها شفاف و عادلانه باشند، امکان سوء استفاده از قدرت کاهش می‌یابد (حسینی، ۱۳۹۵).

۳. عدالت تعاملی و اعتماد عمومی: رفتار منصفانه با شهروندان و پاسخگویی نهادهای حکومتی می‌تواند اعتماد عمومی را افزایش دهد. اعتماد عمومی به نهادها یکی از عوامل کلیدی در کاهش فساد است (الجبوری، ۲۰۱۸).

عدالت به عنوان یک اصل بنیادین در نظام‌های اجتماعی و اقتصادی، نقش کلیدی در مقابله با فساد اقتصادی ایفا می‌کند. تحقق عدالت در ابعاد توزیعی، رویه‌ای و تعاملی می‌تواند به کاهش فساد و افزایش اعتماد عمومی به نهادهای حکومتی کمک کند. برای دستیابی به این هدف، تقویت نهادهای نظارتی، شفاف‌سازی فرآیندها و آموزش شهروندان از جمله راهکارهای مؤثر هستند.

۳. بحث و بررسی

۳-۱) مصادیق فساد اقتصادی

۳-۱-۱) احتکار

یکی از مصادیق مفساد اقتصادی، احتکار است. احتکار در لغت به معنای نگهداری طعام به انتظار گران شدن آن است (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲). در اصطلاح فقهی احتکار آن است که کسی آذوقه مردم را در هنگام گرانی، خریداری و آن را نگهداری کند تا به علت سختی و مضیقه به قیمت گزاف به فروش برساند (محقق داماد، ۱۳۶۲). فقها در تعیین کالاهایی که شامل احتکار می‌شود اختلاف دارند؛ براساس برخی از روایات که مبنای فتوای فقهاست

ممنوعیت اختکار مخصوص برخی اجناس مانند گندم و جو است (حرعاملی، ۱۳۷۲، ج ۱۲)؛ (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵). گویا اختکار سایر اجناس ممنوعیتی ندارد و حاکم می‌تواند فقط از اختکار اجناسی چون گندم و جو که نیاز میرم مردم هستند، جلوگیری کند؛ اما از برخی روایات دیگر و کلام حضرت علی (ع) اختکار اجناس مورد نیاز مردم که اختکار آن‌ها سبب گران و کم شدن و مضیقه و ظلم و اجحاف در حق آن‌ها است ممنوع است. امام علی (ع) با استناد به سنت پیامبر (ص) در جلوگیری از اختکار اجناس در زمان حکومتش، این‌گونه به مالک اشتر توصیه می‌کند: «بدان در میان بازرگانان افراد زیادی وجود دارند که بد معامله می‌کنند و بخیل و به دنبال اختکار منافع‌اند. آنان در پی منفعت خودند و اجناس را به هر بهایی می‌فروشند. سودجویی و گرانفروشی به زیان مردم و موجب عیب‌گیری بر والیان است. از اختکار جلوگیری کن، چرا که رسول خدا (ص) از آن نهی فرمود و هر کس پس از منع، دست به اختکار زد، او را مجازات کن و عبرت دیگران قرار ده؛ البته در کیفر زیاده‌روی مکن^۱». براساس کلام حضرت (ع) اختکار، مانع تحقق عدالت است؛ زیرا قیمت‌هایی که سود بالایی را برای یک طرف مبادله به همراه داشته باشد و موجب ستم به طرف دیگر شود، عادلانه نیست چون حقوق طرفین در آن رعایت نشده است. همچنین بنا بر کلام امام (ع) مکانیزم قیمت‌ها با نظارت دولت، پذیرفته شده است و علت مخالفت با اختکار، این است که در آن نظام قیمت‌ها مخدوش می‌شود. امام علی (ع) پس از آگاهی از اختکار کالا در یکی از نواحی اهواز در نامه‌ای خطاب به یکی قاضیانش به نام سرفاعه - می‌نویسد: «از اختکار بازدار و آن کس را که اختکار کند

۱. «اعلم مع ذلك ان في كثير منهم ضيقاً فاحشاً و شحاً قبيحاً و احتكاراً للمنافع و تحكماً في البياعات و ذلك باب مضرّة للعامة و عيب على الولاة فامنع من الاحتكار...»

تأدیب کن و با آشکار ساختن آنچه احتکار شده، او را کیفر ده^۱» (محمودی، ۱۳۷۶، ج ۵). احتکار از آن جهت در نظام اقتصادی حکومت علوی ممنوع است که محتکران از طریق ذخیره کالاهای ضروری بدون هیچ‌گونه کار و تلاش اقتصادی ثروت هنگفتی را کسب می‌کنند.

۳-۱-۲) ارتشا

در لغت نامه‌ها واژه‌ی «ارتشا» و «رشوه» در معانی مختلفی به کار برده شده است. در کتاب مصباح‌المنیر گفته شده است: چیزی که به حاکم شرع و یا شخص دیگر اعطا می‌گردد تا به نفع او حکمی صادر گردد و یا آنان را به سود رشوه دهنده وادار نماید (مقری فیومی، ۱۳۹۷ق). در مجمع‌البحرین آمده است: رشوه غالباً در اعطای چیزی به منظور ابطال حقی و یا احیای باطلی به کار برده می‌شود (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۲). در اصطلاح فقه اسلامی، رشوه، دادن مالی است به مأمور رسمی یا غیررسمی، دولتی یا بلدی، به منظور انجام کاری از کارهای اداری یا قضایی ولو این‌که آن کار مربوط به شغل گیرنده مال نباشد، خواه به صورت مستقیم آن مال را دریافت کند و یا به واسطه شخص دیگری آن را بگیرد (جعفری-لنگرودی، ۱۳۹۹). از مجموع تعاریف فوق چنین بر می‌آید که «رشوه» عبارت است از دادن چیزی به شخصی به طمع صدور حکمی و یا تسریع در انجام کاری ولو به انگیزه احیای باطل و از بین بردن حق دیگران و یا عکس برای احقاق حقی و دفع باطلی باشد. همه این موارد از مصادیق رشوه محسوب می‌شوند که اخذ و اعطای آن حرام است.

در خطبه ۲۲۴ داستان هدیه «اشعث بن قیس» از زبان امام علی (ع) بازگو شده است که برای پیروزی بر رقیب در محکمه امام علی (ع) به رشوه متوسل شد و ظرفی پر از حلوی

۱. «انہ عن الحکرۃ فَمَنْ رَکِبَ النَّهْیَ فَأَوْجِعَهُ ثُمَّ عَاقِبَهُ بِإِظْهَارِ مَا احْتَكَرَ»

به خانه حضرت (ع) آورد «شب هنگام کسی به دیدار ما آمد و ظرفی سر پوشیده پر از حلوا داشت، معجونی در آن ظرف بود چنان از آن متنفر شدم که گویا آن را با آب دهان مار سمی، یا قی کرده آن مخلوط کردند به او گفتیم: زکات یا صدقه است که این دو بر ما اهل بیت پیامبر (ص) حرام است. گفت: نه زکات است نه صدقه، بلکه هدیه است. گفتیم: زنان بچه مرده بر تو بگریند، آیا از راه دین وارد شدی که مرا بفریبی یا عقلت آشفته شده یا جن زده شدی یا هذیان می‌گویی به خدا سوگند، اگر هفت اقلیم را با آنچه در زیر آسمان‌هاست به من دهند تا خدا را نافرمانی کنم که پوست جوی را از مورچه‌ای ناروا بگیرم، چنین نخواهم کرد و همانا این دنیای آلوده شما نزد من از برگ جویده شده ملخ پست‌تر است علی را با نعمت‌های فنا پذیر و لذت‌های ناپایدار چه کار^۱. در این چند جمله کوبنده و صریح امام (ع) می‌فرماید: حتی اگر بزرگ‌ترین رشوه‌های متصور در جهان که همه روی زمین و اموال و زرق و برق آن باشد به من بدهند که کمترین ظلم و ستمی که همان گرفتن پوست جوی (نه دانه جو) از دهان مورچه‌ای (که ظاهراً کوچک‌ترین جنبنده است) باشد این کار را انجام نمی‌دهم.

۳-۱-۳ رانت‌جویی و امتیازطلبی

رانت در اصطلاح و بدون قید، همان رانت اقتصادی است که عبارت است از درآمد غیر مولد و یا امتیازی است که ناشی از رقابت کامل نبوده و با سوء استفاده از امکانات و فرصت‌های جامعه و یا از طریق رابطه‌ی غیر استحقاقی و وابستگی به مراکز ثروت و قدرت به دست آمده باشد؛ بنابراین اگر تصمیم‌گیرندگان اقتصادی با ایجاد یک سری محدودیت‌ها در بازار امتیازات ویژه و انحصاری برای خود آن‌ها یا گروه خاصی از

۱. «أَعْجَبُ مِنْ ذَلِكَ طَارِقٌ طَرَقَنَا بِمَلْفُوفَةٍ فِي وَعَائِهَا وَمَعْجُونَةٍ سَنَنْتُهَا كَأَنَّمَا عَجِنْتُ بِرَبِيقِ حَيَّةٍ أَوْ قَبَيْهَا فَقُلْتُ أَصَلَةُ أُمِّ زَكَاةٍ أَمْ صَدَقَةٌ فَذَلِكَ مُحْرَمٌ عَلَيْنَا أَهْلُ الْبَيْتِ فَقَالَ لَا ذَا وَلَا ذَاكَ وَلَكِنَّهَا هَدِيَّةٌ...»

اشخاص ایجاد کنند درآمد حاصل از این امتیازات رانت می‌باشد (شیخ‌الاسلامی و همکاران، ۱۳۹۷).

حضرت علی (ع) در خطبه ۲۲۴ نهج‌البلاغه ضمن تأکید بر حراست از بیت‌المال هرگونه امتیازخواهی نزدیکان را نفی می‌کند و در وصف برادرش عقیل و درخواست او می‌گوید: «برادرم عقیل را دیدم که به شدت تهیدست شده و از من درخواست داشت تا یک من از گندم‌های بیت‌المال را به او ببخشم. کودکانش را دیدم که از گرسنگی دارای موهای ژولیده و رنگشان تیره شده گویا با نیل رنگ شده بودند. بی در پی مرا دیدار و درخواست خود را تکرار می‌کرد چون به گفته‌های او گوش دادم پنداشت که دین خود را به او واگذار می‌کنم و به دلخواه او رفتار و از راه و رسم عادلانه خود دست بر می‌دارم. روزی آهنی را در آتش گذاخته به جسمش نزدیک کردم تا او را بیازمایم پس چونان بیمار از درد فریاد زد و نزدیک بود از حرارت آن بسوزد. به او گفتم، ای عقیل، گریه کنندگان بر تو بگریند، از حرارت آهنی می‌نالی که انسانی به بازیچه آن را گرم ساخته است اما مرا به آتش دوزخی می‌خوانی که خدای جبارش با خشم خود آن را گذاخته است تو از حرارت ناچیز می‌نالی و من از حرارت آتش الهی ننالم^۱». همان‌گونه که ذکر شد حضرت (ع) آن چنان در حفظ و نگهداری بیت‌المال عدل را رعایت می‌کرد که حتی درخواست برادرش را با وجود شدت فقر و داشتن عائله‌ی زیاد و داشتن حق در بیت‌المال رد می‌کند و هیچ یک از علل سه گانه برادری و فقر شدید و مستحق بودن فقیر از بیت‌المال نتوانست او را وادار کند که خواسته او یا حداقل جزئی از آن را تأمین کند (ابن‌میشم ۱۳۶۲، ج ۴).

۱. «لَقَدْ رَأَيْتُ عَقِيلًا وَقَدْ أَمَلَقَ حَتَّى اسْتَمَاحَتِي مِنْ بُرْكُمْ صَاعًا وَرَأَيْتُ صَبِيَّانَهُ شُعْتَ الشُّعُورِ غَيْرَ الْآلِوَانِ مِنْ فَقْرِهِمْ كَأَنَّمَا سُودَتْ وَجُوهُهُمْ بِالْعِظْلَمِ وَعَاوَدَنِي مُؤَكَّدًا وَكَرَّرَ عَلَيَّ الْقَوْلَ مُرَدَّدًا...»

همچنین در سفارش به مالک اشتر او را از ویژه‌سازی و استفاده از امکانات عمومی در چیزهایی که همه‌ی مردم در آن‌ها برابرند بر حذر می‌دارد: «إِيَّاكَ وَالْإِسْتِثْنَاءَ بِمَا النَّاسُ فِيهِ أُسْوَةٌ». البته نباید از نظر دور داشت که ممکن است مدیران و کارگزاران، مقید به اصول ایمانی و اخلاقی باشند اما فزون‌طلبی بعضی از نزدیکان و رانت‌خواری آنان سبب فساد در زمینه‌ی مسائل مالی و اقتصادی شود. لذا امام (ع) نسبت به این امر هشدار می‌دهد «همانا زمامداران را خواص و نزدیکانی است که خود خواه و چپاولگرند و در معاملات انصاف ندارند. ریشه‌ی ستمکاریشان را با بریدن اسباب آن بخشکان^۱».

۳-۱-۴) زمین‌خواری

یکی دیگر از مفاسد کلان اقتصادی که منجر به افزایش سرمایه‌های نامشروع مفسدین می‌شود زمین‌خواری است. زمین‌خواری از مصادیق بارز دست‌اندازی به انفال می‌باشد که شامل سوءاستفاده از منابع ملی و طبیعی، رودخانه‌خواری، کوه‌خواری و جنگل‌خواری می‌شود. زمین‌خواری عبارت است از مجموعه اقدامات غیر قانونی نسبت به اراضی ملی و دولتی که در نهایت منجر به تصاحب غیرقانونی و تغییرات غیرمجاز کاربری اراضی مذکور گردد (بختیاری، ۱۳۹۷).

از جمله درس‌های آموزنده در سیره علوی برخوردار قاطع با زمین‌خواری است. امام (ع) از همان آغاز حکومت درباره‌ی قاطع عثمان یعنی زمین‌هایی که متعلق به عموم مردم است و عثمان آن را در تبول خویشاوندانش قرار داده بود فرمودند: «به خدا سوگند، بیت المال تاراج شده را هر کجا که بیابم به صاحبان اصلی آن باز می‌گردانم، گرچه با آن ازدواج

۱. «ثُمَّ إِنَّ لِلْوَالِي خَاصَّةً وَبِطَانَةٍ فِيهِمْ اسْتِثْنَاءٌ وَتَطَاوُلٌ وَقَلَّةٌ إِنْصَافٍ فِي مَعَامَلَةٍ».

کرده یا کنیزانی خریده باشند، زیرا در عدالت گشایش برای عموم است و آن کس که عدالت بر او گران آید، تحمل ستم برای او سخت تر است^۱» (نهج البلاغه: خطبه ۱۵).

قطائع عبارت است از زمین‌های متعلق به بیت‌المال که از آن خراج می‌گیرند، امام (ع) می‌تواند آن را به برخی از افراد رعیت واگذار کند و معمولاً خراج را از آن‌ها بر دارد و درصد اندکی به عوض خراج از آنان بگیرد. عثمان به گروه بسیاری از بنی‌امیه و دیگر یاران و دوستان خود قطائع فراوان از سرزمین‌های دارای خراج را به این صورت واگذار کرد (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۳۱، ج ۱). خود نیز در دوران حکومتش به این اصل پایبند بود و مالک را متوجه می‌سازد مبدا زمینی به بستگانش اختصاص دهد و به آنان فراتر از حق شهروندی‌شان بپردازد: «به هیچ کدام از اطرافیان و خویشاوندان زمین را واگذار مکن و به گونه‌ای با آنان رفتار کن که قرار دادی به سودشان منعقد نگردد که به مردم زیان رساند؛ مانند آبیاری مزارع یا زراعت مشترک که هزینه‌های آن را بر دیگران تحمیل کند. در آن صورت سودش برای آنان و عیب و ننگش در دنیا و آخرت برای تو خواهد ماند^۲» (نهج البلاغه: نامه ۵۳).

۳-۱-۵) اختلاس

از دیگر آفات اقتصادی سالم اختلاس است. اختلاس به معنای برداشت غیر قانونی اموال دولتی یا غیردولتی است که توسط کارمندان و کارکنان دولت یا وابسته به دولت انجام

۱. «وَاللَّهُ لَوْ وَجَدْتَهُ قَدْ تَزَوَّجَ بِهِنَّ النَّسَاءُ وَ مَلَکَ بِهِنَّ الْإِمَاءُ لَرَدَدْتَهُنَّ فَإِنَّ فِی الْعَدْلِ سَعَةً وَ مِنْ ضَاقٍ عَلَیْهِ الْعَدْلُ فَالْجَوْرُ عَلَیْهِ أَضِیْقٌ»

۲. «لَا تَقْطَعَنَّ لِأَحَدٍ مِنْ حَاشِیَتِكَ وَ حَامَتِكَ قَطِیْعَةً وَ لَا یَطْمَعَنَّ مِنْكَ فِی اعْتِقَادِ عُقْدَةٍ تَضُرُّ مِنْ یَلِیْهَا مِنَ النَّاسِ فِی شَرْبٍ أَوْ عَمَلٍ مُشْتَرَكٍ یَحْمِلُونَ مَوْثِقَهُ عَلَی غَیْرِهِمْ فِیْکُونُ مِنْهَا ذَلِكُمْ لَهُمْ دُونَكَ وَ عِیْبُهُ عَلَیْكَ فِی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ»

می‌گیرد. اختلاس علاوه بر ضربه زدن بر اقتصاد کشور به اعتماد مردم نسبت به حکومت و نظام اقتصادی خدشه وارد می‌کند. نمونه‌هایی از برخورد قاطع با اختلاس‌کنندگان در نهج البلاغه دیده می‌شود.

امام علی (ع) در نامه ای به یکی از کارگزارانش (برخی مخاطب این نامه را عبدالله بن عباس و برخی برادرش عبیدالله بن عباس دانسته‌اند) ضمن مواخذه ایشان به دلیل غارتگری اموال بیت‌المال و بردن آن به حجاز می‌فرماید: «پس آنگاه که فرصت خیانت یافتی شتابان حمله‌ور شدی با تمام توان اموال بیت‌المال را که سهم بیوه‌زنان و یتیمان بود، چونان گرگ گرسنه‌ای که گوسفند زخمی یا استخوان شکسته‌ای را می‌رباید به یغما بردی و آن‌ها را به سوی حجاز با خاطری آسوده روانه کردی، بی آن که در این کار احساس گناهی داشته باشی ... آیا به معاد ایمان نداری و از حسابرسی دقیق قیامت نمی‌ترسی! ای کسی که در نزد ما از خردمندان بشمار می‌آمدی، چگونه نوشیدن و خوردن را بر خود گوارا کردی در حالی که می‌دانی حرام می‌خوری و حرام می‌نوشی چگونه با اموال یتیمان و مستمندان و مؤمنان و مجاهدان راه خدا، کنیزان می‌خری و با زنان ازدواج می‌کنی که خدا این اموال را به آنان واگذاشته و این شهرها را به دست ایشان امن فرموده است پس از خدا بترس، و اموال آنان را باز گردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم؛ تو را کیفر خواهم کرد که نزد خدا عذرخواه من باشد و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید. سوگند به خدا اگر حسن و حسین چنان می‌کردند که تو انجام دادی، از من روی خوش نمی‌دیدند و به آرزو نمی‌رسیدند تا آن که حق را از آنان باز پس ستانم و باطلی را که به دستم پدید آمده نابود سازم. به پروردگار جهانیان

سوگند، اگر آنچه که تو از اموال مسلمانان به ناحق بردی، بر من حلال بود، خشنود نبودم که آن را میراث باز ماندگانم قرار دهم^۱» (نهج البلاغه: نامه ۴۱).

۲-۳. راهکارهای پیشگیرانه

با احصاء مصادیقی از فساد اقتصادی در بخش گذشته در این قسمت به راهکارهایی جهت رفع فساد اقتصادی هم در حوزه پیشگیری و هم در حوزه مقابله‌ای پرداخته می‌شود.

۱-۲-۳ شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران

یکی از مهم‌ترین اقدامات پیشگیرانه در مورد کارگزاران دقت در نحوه‌ی انتخاب و انتصاب مسئولین شایسته است. شایسته‌سالاری، بهره‌مندی از انرژی خلاق افراد نخبه و برگزیده جامعه است. امام علی (ع) در سیره خویش بر شایسته‌سالاری کارگزاران تأکید می‌کند و شرط رهبری جامعه را توانایی و دانایی دانسته و می‌فرماید: «سزاوارترین اشخاص به خلافت، آن کسی است که در تحقق حکومت نیرومندتر و در آگاهی از فرمان خدا داناتر باشد^۲» (نهج البلاغه: خطبه ۱۷۳). ایشان همچنین تأکید می‌کنند که انتخاب کارگزاران پس از آزمودن آن‌ها صورت گیرد و به ویژگی‌های ظاهری بسنده نشود. «سپس در کار عاملان خود بیندیش و پس از آزمودن به کارشان بگمار و به میل خود و بدون مشورت دیگران به کاری مخصوصشان مدار. در گزیدن آن‌ها تنها به فراست و اطمینان و خوش‌گمانی خود

۱. «فَلَمَّا أَمْكَنتَكَ الشَّدَّةُ فِي خِيَانَةِ الْأُمَّةِ أَسْرَعْتَ الْكُرَّةَ وَ عَاجَلْتَ الْوَثْبَةَ وَ اخْتَطَفْتَ مَا قَدَرْتَ عَلَيْهِ مِنْ أَمْوَالِهِمْ الْمُصُونَةَ لِأَرَامِلِهِمْ وَ أَيْتَامِهِمْ اخْتَطَفَ الذَّنْبُ الْأَزْلَ دَامِيَةَ الْمِعْزَى الْكَسِيرَةَ فَحَمَلْتَهُ إِلَى الْحِجَازِ رَحِيبَ الصَّدْرِ بِحَمَلِهِ غَيْرَ مُتَأَتِّمٍ مِنْ أَخْذِهِ ...»

۲. «إِنَّ أَحَقَّ النَّاسِ بِهَذَا الْأَمْرِ أَقْوَاهُمْ عَلَيْهِ وَ أَعْلَمُهُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ فِيهِ»

اطمینان مکن که مردم برای جلب نظر والیان به آراستن ظاهر می‌پردازند و خوش خدمتی را پیشه می‌سازند^۱».

معیارهای مهم در اصل شایسته‌سالاری در نهج‌البلاغه عبارتند از: باتجربه، دیندار و باتقوا، شجاع و حق‌گو، برخوردار از اصالت خانوادگی، دارای عفت و حیا، در برابر عموم مردم انعطاف و در برابر مفسدان شدت عمل داشته باشد، تحت تأثیر چاپلوسان قرار نگیرد، مشاور و وزیر افراد ظالم نباشد، از مظلوم دفاع و در برابر ظالم بایستد، به حقوق افراد توجه کند در پی اصلاح امور مردم باشد. به طور کلی صفات شایسته مدیریت در او جمع شده باشد تا بتواند در برابر مصالح مردم تلاش کند.

۲-۲-۳) پرداخت حقوق کافی به کارگزاران

در سیره علوی صرف انتخاب کارگزاران شایسته برای جلوگیری از دست درازی به بیت‌المال کافی نیست، بلکه باید زندگی این افراد را به صورت بسیار مطلوب تأمین کرد؛ زیرا زمانی می‌توان از یک فرد متخصص و لایق انتظار داشت که کارهایش را درست انجام دهد که حقوق او نیازهای زندگی را مرتفع و رضایت‌شغلی او را فراهم کند. در غیر این صورت نمی‌توان رشدی در کار او در نظر گرفت. امام (ع) در این باره می‌فرماید «سپس روزی فراوان بر آنان ارزانی دار که با گرفتن حقوق کافی در اصلاح خود بیشتر می‌کوشند و با بی‌نیازی، دست به اموال بیت‌المال نمی‌زنند و اتمام حجتی است بر آنان اگر فرمانت

۱. «ثُمَّ انظُرْ فِي أُمُورِ عَمَّا لِكَ فَاسْتَعْمِلْهُمْ اخْتِبَارًا وَلَا تُؤَلِّمِهِمْ مُحَابَاةً وَآثَرَةً ثُمَّ لَا يَكُنْ اخْتِبَارُكَ إِيَّاهُمْ عَلَى فِرَاسَتِكَ وَاسْتِنَامَتِكَ وَحُسْنِ الظَّنِّ مِنْكَ»

را نپذیرند یا در امانت تو خیانت کنند^۱» (نهج البلاغه: نامه ۵۳). پرداخت حقوق مکفی به افراد موجب بی‌نیازی و اصلاح آن‌ها می‌گردد در نتیجه به اموال بیت‌المال دست‌درازی نمی‌کنند و اگر با وجود تأمین نیاز خیانت کنند باید آنان را سرزنش کرد و گرنه سرزنشی بر آن‌ها نیست.

در جای دیگر در مورد قضاات می‌گوید: «پس از انتخاب قاضی، هر چه بیشتر در قضاوت‌های او ببینیش و آن‌قدر به او ببخش که نیازهای او بر طرف گردد و به مردم نیازمند نباشد^۲» (نهج البلاغه: نامه ۵۳)؛ زیرا پرداختن حقوق کافی، موجب نیاز آن‌ها به مردم و در نتیجه باعث رشوه‌خواری و فساد اداری می‌گردد. حضرت (ع) عملاً نیز به این امر پایبند بودند و در نامه‌ای به یکی از متصدیان خراج و گردآورنده‌ی مالیات چنین نوشته است: «بدان برای تو در این زکات، نصیب مشخص و حق معینی است... همان‌گونه که ما حق تو را می‌دهیم، تو هم باید نسبت به حقوق آنان وفادار باشی^۳» (نهج البلاغه: نامه ۲۶).

۳-۲-۳ نظارت و کنترل دقیق بر رفتار کارگزاران

از اولویت‌های اساسی در پیشگیری از فساد اقتصادی، نظارت و کنترل دقیق بر رفتار کارگزاران است که این کار از طریق حکومت و مردم انجام می‌شود. نظارت بر مدیران و کارگزاران از طرف حاکمیت به صورت آشکار و پنهان صورت می‌گیرد. مردم نیز با نظارت از وقوع جرم جلوگیری می‌کنند. در ذیل به نمونه‌هایی از نهاد نظارتی اشاره می‌شود.

۱. «ثُمَّ اسْبِغْ عَلَيْهِمُ الْأَرْزَاقَ فَإِنَّ ذَلِكَ قُوَّةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِصْلَاحِ أَنْفُسِهِمْ وَ غَنَى لَهُمْ عَنِ تَنَاوُلِ مَا تَحْتَ أَيْدِيهِمْ وَ حُجَّةٌ عَلَيْهِمْ خَالَفُوا أَمْرَكَ أَوْ تَلَمَّوْا أَمَانَتَكَ»

۲. «ثُمَّ أَكْثِرْ تَعَاهُدَ قَضَائِهِ وَ أَفْسَحْ لَهُ فِي الْبَدَلِ مَا يُزِيلُ عَلْتَهُ وَ تَقَلُّ مَعَهُ حَاجَتُهُ إِلَى النَّاسِ»

۳. «إِنَّ لَكَ فِي هَذِهِ الصَّدَقَةِ نَصِيبًا مَفْرُوضًا وَ حَقًّا مَعْلُومًا شَرَكَاءَ أَهْلِ مَسْكِنَتِهِ وَ ضِعْفًا ذَوِي فَاقَةٍ وَ إِنَّا مُؤَفَّوْكَ حَقِّكَ فَوْفَهُمْ حَقُّوهُمْ»

۱- نظارت آشکار: امام علی (ع) برای بازرسی و نظارت آشکار به عاملان خود دستور دادند که با هرگونه فساد به ویژه در حوزه اقتصادی مبارزه کنند. ایشان در نامه‌ای به یکی از فرمانداران خود مالک بن کعب دستور دادند که فردی به جای خود گذاشته و با گروهی از یارانش به سواد عراق برود و درباره رفتار و عملکرد کارگزارانش در فاصله بین دجله و عذیب تحقیق کند سپس به محل حکومتش برگردد و گزارش رفتار کارگزاران را به وی تحویل دهد (یعقوبی، بی تا، ج ۲).

۲- نظارت پنهان: حضرت (ع) در عهدنامه مالک اشتر بر لزوم استفاده از مخبران به صورت پنهان و غیر ملموس در جمع‌آوری اطلاعات از کارگزاران تاکید دارند و می‌فرمایند: «پس در کارهای آنان بیندیش... پس بر کارهای آنان مراقبت دار و جاسوسی راستگو و وفایه بر ایشان بگمار که مراقبت نهانی تو در کارهاشان، وادار کننده آنهاست به رعایت امانت و مهربانی بر رعیت ... به کار آنان بنگر، چه در آنجا باشند که خود به سر می‌بری و یا در شهرهای دیگر^۱». حضرت (ع) در این عبارات ضمن دستور به نظارت پنهانی فواید این امر را برمی‌شمارد و می‌فرماید: این عمل سبب رعایت امانت و مدارا با رعیت است.

۳- نظارت مردمی: یکی دیگر از انواع نظارت گزارش مستقیم و دادخواهی مردم به امام (ع) است. از شواهد تاریخی این روش برکناری یکی از کارگزاران ایشان به نام منذر بن جارود عبدی به دلیل گزارش سوده همدانی است. شرح آن به این صورت است که سوده همدانی نزد امام (ع) آمد و از کارگزار وی شکایت کرد و گزارشی از رفتار او به ایشان ارائه داد. حضرت (ع) پس از بررسی گزارش، کارگزارش را سرزنش و از کار برکنار کرد

۱. «ثُمَّ تَفَقَّدَ مِنْ أُمُورِهِمْ ... ثُمَّ تَفَقَّدَ أَعْمَالَهُمْ وَ أَعْتَبَ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَ الْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السَّرِّ لِأُمُورِهِمْ حُدُودَ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَ الرَّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ ... وَ تَفَقَّدَ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ، وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ»

و خطاب به او این چنین نوشت: «اگر آنچه به من گزارش رسیده، درست باشد، شتر خانه‌ات و بند کفش تو از تو با ارزش‌تر است و کسی که همانند تو باشد نه لیاقت پاسداری از مرزهای کشور را دارد و نه می‌تواند کاری را به انجام رساند یا ارزش او بالا رود یا شریک در امانت باشد یا از خیانتی دور ماند پس چون این نامه به دست تو رسد، نزد من بیا^۱» (نهج البلاغه: نامه ۷۱). این نشان دهنده آن است که حضرت (ع) گاه به صورت غیر رسمی و بر مبنای گزارش افراد عادی و مورد اعتماد بر رفتار کارگزارانش نظارت داشته است.

۴- بیت القصص: گذشته از روش‌های فوق، امام (ع) برای نهادینه کردن فرهنگ گزارش دهی نهادی به نام بیت القصص تأسیس کرد که زمینه‌ی دریافت شکایات و تظلمات را فراهم می‌آورد (ابن ابی‌الحدید، ۱۳۳۱، ج ۱۷). کسانی که نمی‌خواستند به صورت شفاهی بر علیه کارگزاران شکایت کنند، شکایاتشان را می‌نوشتند و در آن مکان قرار می‌دادند. بدین ترتیب امام (ع) از طریق آن نامه‌ها از رفتار کارگزارانش آگاه و به مأموران خود دستور پیگیری می‌دادند.

۳-۲-۴) عزل کامل تمامی کارگزاران دولت قبل

یکی از نخستین اقداماتی که امام علی (ع) برای پیشگیری از فساد اقتصادی انجام داد، عزل تمام کارگزاران فاسد عثمان به‌جز ابوموسی اشعری بود (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲: ۱۷۹). از جمله افرادی که امام (ع) عزل کردند: معاویه، عبدالله بن عامر، حکم بن امیه، یعلی بن

۲. «لَئِنْ كَانَ مَا بَلَغَنِي عَنْكَ حَقًّا لَجَمَلُ أَهْلِكَ وَ شِسْعُ نَعْلِكَ خَيْرٌ مِنْكَ وَ مَنْ كَانَ بِصِفَتِكَ فَلَيْسَ بِأَهْلٍ أَنْ يُسَدَّ بِهِ ثَغْرٌ أَوْ يُنْفَذَ بِهِ أَمْرٌ أَوْ يُعْلَى لَهُ قَدْرٌ أَوْ يُشْرَكَ فِي أَمَانَةٍ أَوْ يُؤْمَنَ عَلَيَّ جَبَايَةً فَأَقْبِلْ إِلَيَّ حِينَ يَصِلُ إِلَيْكَ كِتَابِي هَذَا»

امیه و عبدالله بن ابی سرح بودند. برخی از اینان طرد شده رسول خدا (ص) و تنها به دلیل نسبت خویشاوندی با عثمان به کار گرفته شده بودند. استدلال امام (ع) از عزل آن‌ها این بود: «لکن از این اندوهناکم که بی‌خردان و تبه‌کاران این امت، حکومت را به دست آورند، آنگاه مال خدا را دست‌به‌دست بگردانند و بندگان او را به بردگی کشند با نیکوکاران در جنگ و با فاسقان همراه باشند؛ زیرا از آنان کسی در میان شماست که شراب نوشید و حد بر او جاری شد و کسی که اسلام را نپذیرفت اما بنا حق بخشش‌هایی به او عطا گردید» (نهج البلاغه: نامه ۶۲).

امام (ع) همچنین در سفارش به مالک اشتر می‌فرماید: «إِنَّ شَرَّ وُزَرَائِكَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ لِلْأَشْرَارِ قَبْلَكَ وَزِيْرًا». حضرت علی (ع) در عمل به این سخن پایبند بود و در پاسخ به برخی از مصلحت‌اندیشان که به عنوان خیرخواهی به ایشان پیشنهاد کردند که مدتی معاویه را در این منصب باقی‌گذارد و پس از استقرار پایه‌های حکومت او را عزل کند فرمود: «به خدا سوگند من در دینم مداهنه نمی‌کنم و امور مملکت را به دست افراد پست نمی‌سپارم» (سبحانی تبریزی، ۱۳۹۱).

همانگونه که گفته شد امام از بین کارگزاران عثمان تنها ابوموسی اشعری آن هم بر خلاف میل باطنی و به پیشنهاد مالک اشتر بر سمت خود باقی گذاشت (یعقوبی، بی‌تا، ج ۲). سرانجام در دوران حکومتش او را عزل کرد؛ زیرا در نبرد جمل هنگامی که امام علی (ع) به قصد مقابله با فتنه، محمد بن ابی بکر را برای جمع‌آوری نیرو به کوفه فرستاده بود، ابوموسی با این سخن که جنگ دنیا طلبی و راه آخرت در گرو خانه‌نشینی است و هنوز بیعت عثمان در گردن ماست و تا کشندگان عثمان مجازات نشده‌اند با کسی نخواهیم جنگید

۱. «وَ لَكِنِّي آسَى أَنْ يَلِيَ [هَذِهِ الْأُمَّةَ] أَمْرَ هَذِهِ الْأُمَّةِ سَفَهَاؤُهَا وَ فُجَارُهَا، فَيَتَّخِذُوا مَالَ اللَّهِ دُولًا وَ عِبَادَهُ حَوْلًا وَ الصَّالِحِينَ حَرْبًا وَ الْفَاسِقِينَ حِزْبًا..»

از تجهیز سپاه جلوگیری و حتی پیک امام را تهدید به زندان و قتل کرد (ابن اعثم کوفی، ۱۳۷۲). امام (ع) برای دومین بار مالک اشتر و عبدالله بن عباس را به کوفه فرستاد. اما ابوموسی اشعری از فرمان امام (ع) سرپیچی کرد و اهل کوفه را به این بهانه که این کار فتنه انگیزی است از یاری امام (ع) برحذر داشت (طبری، ۱۳۸۷، ج ۴). حضرت (ع) این بار فرمان عزل او را به فرزندش امام حسن (ع) داد و او را همراه با عمار یاسر به کوفه فرستاد. بار دیگر ابوموسی با ایراد خطبه‌ای از مداخله در چیزی که او آن را نزاع بین قریش نامید که می‌بایست خود به اصلاح آن پردازند، برحذر داشت. با ابلاغ فرمان عزل او توسط امام علی (ع) مالک اشتر او را از قصر حکومتی بیرون راند و مانع غارت اموال او به وسیله‌ی مردم شد (ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۳).

۳-۳. راهکارهای جزایی

حضرت علی (ع) زمانی که کارگزارانش را برای انجام مسئولیتی برمی‌گزید، طی فرمانی، وظایف‌شان را به صورت دقیق مشخص می‌کرد و از خیانت در انجام امور بیم می‌داد و هرگونه بهانه‌جویی را سلب می‌کرد. همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد سیاست امام در برابر عاملانش سیاست پیش‌گیری از وقوع جرم بود از این‌رو تمام شرایط پیش‌گیری اعم از گزینش کارگزاران شایسته، تأمین مالی آنان، بازرسی دقیق و مشخص کردن وظایف را به کار می‌گرفتند حال اگر با این شرایط، فردی تخلف می‌کرد و بررسی‌های جاسوسان امام (ع) یا گزارش‌های مردمی حاکی از ارتکاب جرایم اقتصادی داشت، اقدامات سرکوبگرانه امام (ع) نسبت به حاکمان آغاز می‌شد. در ذیل گونه‌های از تدابیر جزایی امام (ع) ذکر می‌شود:

۳-۳-۱) عزل و برکناری کارگزاران

یکی از مهم‌ترین کارهای که امام در دوران حکومتش انجام داد؛ عزل کارگزاران فاسد بود. زیرا اینان با تخطی از خط‌مشی سیاست‌های امام و با وجود نصایح و تهدید ایشان حاضر نبودند بر طبق مصالح امت اسلامی عمل کنند. امام (ع) نیز در این موارد با قدرت وارد عمل می‌شوند و با صدور حکمی عزل آنان را صادر می‌کردند. حضرت علی (ع) علاوه بر این که مراقب بودند که مسئولان سوء استفاده مالی نکنند؛ مراقب سستی آنان در خدمت به مردم نیز بودند.

امام به عنوان نمونه در نامه‌ای خطاب به فرماندار اصطخر نوشت: به من خبر رسیده که تو بیشتر اوقات، کار خود را رها کرده و به شکار و سگ بازی می‌پردازی و برای تفریح و گردش بیرون می‌روی. سوگند می‌خورم که اگر این گزارش حقیقت داشته باشد تو را به سبب این خلاف‌ها سخت مجازات می‌کنم. ابله‌ترین فرد قومت بر تو برتری دارد پس به محض این که نامه‌ام را خواندی به سوی من شتاب کن. سپس او را برکنار و مجازات کرد (یعقوبی، بی تا، ج ۲). حضرت علی (ع) ابوالاسود دوئلی را نیز برای عدم رعایت برخی از مسائل قضاوت، عزل کرد و وقتی که ابوالاسود اعتراض کرد، آن حضرت (ع) در پاسخ فرمود: دیدم که سخنت بلندتر از سخن طرف دعوا در دادگاه می‌باشد (نوری طبرسی، بی تا، ج ۱۷).

۳-۳-۲ زندان و حبس

زمانی که به امام (ع) خبر دادند که ابن هرمة، متصدی امور اقتصادی منطقه اهواز، رشوه گرفته و در بیت‌المال خیانت کرده است. حضرت (ع) فوراً به رفاعه، فرماندار ناحیه اهواز نامه‌ای نوشت: ای رفاعه! زمانی که نامه‌ام را خواندی، ابن هرمة را از نظارت بازار برکنار کن و او را به مردم معرفی کن. به زندانش بینداز و آبرویش را بریز و به همه‌ی مناطق تابعه اهواز بنویس که من علی بن ابی طالب چنین عقوبتی را برای او معین کردم. مبادا در مجازات

او غفلت نمایی و کوتاهی کنی که نزد خدا خوار و بی‌مقدار می‌شوی و در صورت غفلت و کوتاهی، من تو را به زشت‌ترین صورت ممکن از فرمانداری اهواز برکنار می‌کنم. از خدا می‌خواهم که آن روز را نیاورد. چون روز جمعه فرارسید او را از زندان بیرون بیاور و (در ملاً عام) سی و پنج تازیانه بر او بزن و او را در بازار بگردان. هرکس شاهدی آورد که ابن هرمه چیزی از او گرفته او را و شاهدش را قسم بده، آنگاه مبلغ مذکور را از مال ابن هرمه بردار و به صاحبش برگردان و دوباره ابن هرمه را خوار و سرافکنده و بی‌آبرو به زندان بازگردان، پاهایش را ببند و تنها برای نماز پاهایش را باز کن. فقط و فقط مجازی که خوراکی، نوشیدنی، پوشاک و زیراندازی را که برایش می‌آورند به او برسانی. او را ممنوع‌الملاقات کن زیرا امکان دارد افرادی که با او ملاقات می‌کنند، راه‌هایی از چنگال مجازات را و شگردهای پاسخگویی به هنگام محاکمه را به او بیاموزند و او را به آزادی از زندان امیدوار سازند. اگر دانستی که کسی در این راستا مطلبی را به او آموخته است که ضرر مسلمانی را به دنبال دارد، فرد مذکور را تازیانه بزن و زندانی کن و در صورت توبه از زندان آزادش کن. شب‌ها که زندانیان را برای هواخوری به حیاط زندان می‌آوری، ابن هرمه را از نعمت هواخوری و تفرج در حیاط زندان محروم کن، مگر اینکه بترسی در اثر عدم هواخوری بمیرد، در این صورت او را هم برای هواخوری به حیاط زندان ببر. اگر دیدی که هنوز طاقت خوردن تازیانه بیشتری را دارد پس از سی روز، سی و پنج تازیانه دیگر علاوه بر سی و پنج تازیانه اول بر او بزن. برای من بنویس که برای نظارت بر بازار چه کردی و پس از این خائن، چه کسی را برگزیدی؟ در ضمن حقوق ابن هرمه را هم قطع کن (ابن‌حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲). همان گونه که ملاحظه می‌شود. امام علی (ع) با کارگزاران متخلف خود برخلاف افرادی عادی که به دلیل ارتکاب جرم در زندان هستند محدودیت‌های جدی‌تری حتی در زندان اعمال می‌کند؛ زیرا وقتی مسئولان نظام به

حقوق عموم مردم تعدی کنند دیگر مجرم معمولی نیستند و باید به گونه‌ای مجازات شوند که دیگر مسئولان جرأت خیانت و سوء استفاده نداشته باشند.

۳-۳-۳) غرامت و جریمه مالی

یکی دیگر از راهکارهای جزایی برای مبارزه با فساد اقتصادی جریمه مالی است. امام علی (ع) پس از عزل منذرن جارود عبدی، وی را سی هزار دینار یا درهم جریمه نقدی کرد؛ اما چون در نپرداختن این جریمه نقدی سماجت کرد. امام (ع) دستور داد تا او را زندانی کنند. منذر در زندان بود تا زمانی که صعصعه بن صوحان بیمار شد و حضرت (ع) به عیادت او رفت. صعصعه به او گفت: ای امیرمؤمنان! این دختر جارود است که هر روز برای آن که برادرش، منذر را حبس کرده‌ای، اشک می‌ریزد پس او را از زندان آزاد کن و سی هزار را خود ضمانت خواهم کرد که بپردازد. سپس علی (ع) به او گفت: تو چرا ضامن او شوی با این که خودش به ما می‌گوید که من آن را نبرده‌ام! پس باید سوگند بخورد تا او را آزاد نمایم. پس منذر سوگند یاد کرد و امام (ع) او را آزاد کرد و بدهی او را به صعصعه بن صوحان واگذار کرد (یعقوبی، بی تا، ج ۲).

۳-۳-۴) درخواست استرداد اموال بیت المال

زیاد بن ابیه کارگزار حضرت در منطقه فارس بود. امام (ع) ماموری فرستاد و به او دستور داد پس از حسابرسی کامل آن چه را زیاد بن ابیه جمع‌آوری کرده است نزد ایشان بیاورد. زیاد، گزارش نادرستی به مامور داد. امام (ع) از طریق ماموران دیگرش مطلع شد که زیاد گزارشی نادرست به مامور او داده است؛ از این رو در تاریخ یعقوبی آمده است که امام در آغاز نامه چنین نوشت: فرستاده من چیز عجیبی را به من خبر داده او می‌گوید: تو به عنوان یک راز به او گفته‌ای که کردهای منطقه از روی سرکشی از پرداختن بسیاری از خراج

خودداری کرده‌اند و گفته‌ای: این سخن را به امیر مؤمنان (علیه السلام) نگو (یعقوبی، بی تا، ج ۲). شاید به گمان این که امام (ع) از مقدار دقیق خراج مطلع نبوده است و هر چه برای او بفرستند می‌پذیرد. براساس کلام فوق زیاد قصد داشت با این عنوان که کردها از پرداختن خراج به طور کامل خودداری کرده‌اند بخشی از خراج را برای بیت‌المال نفرستد و برای خود نگه دارد که امام (ع) به وسیله سایر ماموران از توطئه او آگاه شد و نامه شدید اللحنی برای او نوشت که می‌بایست خراج را به طور کامل به بیت‌المال بپردازد و نزد امام (ع) بفرستد و در نهایت او را تهدید کرد که اگر از این کار خودداری کند او را مجازات خواهد کرد: «همانا من، براستی به خدا سوگند می‌خورم، اگر به من گزارش کنند که در اموال عمومی خیانت کردی، کم یا زیاد، چنان بر تو سخت گیرم که کم بهره شده و در هزینه عیال، در مانده و خوار و سرگردان شوی^۱» (نهج البلاغه: نامه ۲۰).

نمونه‌ی دیگر از بازپس‌گیری اموال نامه به ابن عباس^۲ است که اموال مسلمین را غارت کرده بود، امام (ع) ابتدا او را سخت مؤاخذه نمود سپس از وی درخواست کرد تا اموال مسلمانان را به جایگاه خود بازگرداند و گرنه با شمشیر قهر علی (ع) کشته خواهد شد. متن نامه چنین است: «پس از خدا بترس، و اموال آنان را باز گردان و اگر چنین نکنی و خدا مرا فرصت دهد تا بر تو دست یابم، تو را کیفر خواهم کرد، که نزد خدا عذر خواه من

۱. «وَإِنِّي أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمًا صَادِقًا، لَئِن بَلَغَنِي أَنَّكَ خُنْتَ مِنْ فِئَةِ الْمُسْلِمِينَ شَيْئًا صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا، لَأَشُدَّنَّ عَلَيْكَ شِدَّةً تَدْعُكَ قَلِيلَ الْوَفْرِ، ثَقِيلَ الظَّهْرِ ضَيْلَ الْأَمْرِ»

۲. معلوم نیست که امام این نامه را به کدام یک از پسرعموهایش - عبدالله یا عبیدالله - که حاکم بصره بود، نوشته است (فیض الاسلام، ۱۳۷۹، ج ۵: ۹۵۸).

باشد و با شمشیری تو را می‌زنم که به هر کس زدم وارد دوزخ گردید^۱» (نهج البلاغه: نامه ۴۱).

۳-۳-۵) تعزیر و تازیانه

از دیگر تدابیر امام (ع) برای کاهش فساد اقتصادی، تازیانه است. از جمله کسانی که تازیانه بر او زده شد؛ یزید بن حجیه کارگزار امام در ری است. او هنگام ارسال خراج، سی هزار درهم کم‌تر فرستاد، امام (ع) او را به مرکز خلافت احضار کرد و از او خواست بقیه اموال بیت‌المال را به خزانه برگرداند اما او منکر شد. امام (ع) او را تازیانه زد و حبس کرد. یزید موفق شد از زندان فرار کند و به معاویه بپیوندد، معاویه هم اموالی را که او برداشته بود به خودش بخشید و بعد از این که توانست بر جهان اسلام مسلط شود او را به عنوان حاکم ری منصوب کرد (ابن اثیر، ۱۳۸۵ق، ج ۳). این روش معاویه بود که سعی می‌کرد با بخشش اموال بیت‌المال افرادی را که از حکومت عادلانه امیرالمؤمنین (ع) ناراضی بودند، جذب کند.

در نظام سیاست امام (ع)، سخت‌گیری حاکمیت با نزدیکان، اقوام و یاران شدیدتر از سایر افراد است. امام (ع) در بخش‌هایی از عهدنامه مالک به او دستور می‌دهند که اگر خیانت یکی از یاران نزدیکش بر او معلوم شد چنین رفتار کند: «از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن و آنچه از اموال

۱. «فَاتَّقِ اللَّهَ وَ ارْجُدْ إِلَى هَوْلَاءِ الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ فَإِنَّكَ إِن لَّمْ تَفْعَلْ تُمَّ أَمْكِنِي اللَّهُ مِنْكَ لَأُعْذِرَنَّ إِلَى اللَّهِ فِيكَ وَ لَأَضْرِبَنَّكَ بِسَيْفِي الَّذِي مَا ضَرَبْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ»

که در اختیار دارد از او باز پس گیر سپس او را خوار دار و خیانتکار بشمار و طوق بدنامی به گردنش بیفکن^۱».

۴. نتیجه گیری

یکی از اصلی‌ترین نیازهای حکومت اسلامی در حال حاضر، شناخت مصادیق مفاسد اقتصادی و ارائه راهکار برای مقابله با آن است. این راهکارها گاه در عرصه پیشگیری از فساد و گاه در عرصه مقابله با فساد مالی مطرح می‌شود. در این پژوهش ضمن مرور ادبیات فساد اقتصادی موضوع اصلی که شناسایی مصادیقی از فساد اقتصادی و راهکارهای مقابله با آن است واکاوی شده است. در مقام احصاء مفاسد اقتصادی و طبقه‌بندی آن، مفاسد اقتصادی در پنج طبقه با عناوین: احتکار، ارتشا، اختلاس، رانت‌جویی و زمین‌خواری ارائه شد. از جمله راهکارهای پیشگیری از فساد: شایسته‌سالاری در انتصاب کارگزاران، پرداخت حقوق کافی به آنان، نظارت و کنترل دقیق بر رفتار آن‌ها و عزل کامل تمامی کارگزاران دولت قبلی است. از راهکارهای جزایی برای مقابله با مفاسد اقتصادی اولین کار درخواست استرداد اموال بیت‌المال بود. اگر نافرمانی می‌کردند آن‌ها را تازیانه، جریمه مالی، زندان و در نهایت عزل می‌نمودند؛ بنابراین امام (ع) برای نصب و عزل کارگزارانش از اصولی پیروی می‌کرد از جمله آن اصول، پیروی از حق و حرکت در چارچوب دین بود و هرگاه کارگزارانش از معیارهای حق دور می‌شدند با تذکرات جدی در بازگشت آن‌ها به مسیر حق می‌کوشیدند. همه این‌ها بیانگر این است که امام (ع) معتقد بودند رفتار ناشایست کارگزاران سبب می‌شود مردم نسبت به حاکمان دولت

۱. «فَإِنْ أَحَدٌ مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عُنْدَكَ أَخْبَارُ عِيُونِكَ أَكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ وَأَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَدْلَةِ وَوَسَّمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَقَلَّدْتَهُ عَارِ التُّهْمَةِ»

اسلامی بدین شوند و اعتمادشان را از دست بدهند؛ لذا امام (ع) دوام حکومتش را در اجرای عدالت و مجازات مفسدان می دانست و اگر جرم مسئولی ثابت می شد او را مجازات می کرد سپس او را خوار و طوق بدنامی بر گردنش می افکند.

فهرست الفبایی منابع و مآخذ

- قرآن کریم (۱۳۷۳)، ترجمه محمد مهدی فولادوند، تهران: دارالقرآن الکریم (دفتر مطالعات تاریخ و معارف اسلامی)
- نهج البلاغه. ترجمه: محمد دشتی. قم: انتشارات مشهور.
- ابن ابی الحدید؛ عزالدین ابوحامد، (۱۳۳۱)، شرح نهج البلاغه لابن ابی الحدید. مصحح: محمد ابوالفضل ابراهیم. قم: کتابخانه عمومی آیه الله مرعشی نجفی.
- ابن اثیر؛ عزالدین ابوالحسن، (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ. بیروت: دار صادر.
- ابن ائثم کوفی؛ احمد بن محمد، (۱۳۷۲)، الفتوح. ترجمه: محمد بن احمد مستوفی هروی. تحقیق: غلامرضا طباطبائی مجد. تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن حیون؛ نعمان بن محمد، (۱۳۸۵ق)، دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و التضايا و الأحکام عن اهل بیت رسول الله علیه و علیهم افضل السلام. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لاحیاء التراث.
- ابن میثم؛ میثم بن علی، (۱۳۶۲)، شرح نهج البلاغه (ابن میثم). تهران: نشر کتاب.
- بختیاری؛ حسین، (۱۳۹۷)، «واکاوی مصادیق فساد اقتصادی و تبیین راهکارهای نظارتی مقابله با آن با تأکید بر آموزه‌های نهج البلاغه. پژوهش‌نامه علوی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال نهم، شماره دوم، پاییز و زمستان: ۲۹-۵۲.
- جعفری لنگرودی؛ محمدجعفر، (۱۳۹۹)، ترمینولوژی حقوق. تهران: انتشارات گنج دانش.
- الجبوری، علی. (۲۰۱۸). الفساد الاقتصادي وآثاره على التنمية. مجلة العلوم الاقتصادية والإدارية، (۱)۲۴، ۱۴۵-۱۲۳.
- جوهری؛ أبو نصر إسماعیل بن حماد، (۱۴۰۷ق)، الصحاح؛ تاج اللغة و صحاح العربية. بیروت: دار العلم للملایین.
- حاجیان حسین آبادی؛ رضا، (۱۳۹۸)، «روش‌های مبارزه با فساد اقتصادی در حکومت علوی». پژوهش‌های نهج البلاغه، سال هجدهم، شماره شصت و یکم تابستان: ۱۰۱-۱۲۴.

حراعلمی؛ محمد بن حسن، (۱۳۷۲)، *وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*. مصحح: عبد الرحیم ربانی شیرازی. تهران: اسلامیه.

حسینی، محمد. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین عدالت سازمانی و فساد اداری در سازمان‌های دولتی. *فصلنامه مطالعات مدیریت دولتی*، ۷(۲۵)، ۴۵-۶۰.

خامنه‌ای، علی، (۱۳۸۰)، *فرمان هشت ماده‌ای به سران قوا درباره‌ی مبارزه با مفسد اقتصادی*.
<https://farsi.khamenei.ir/>

خدمتی؛ مریم، (۱۳۹۷)، «شناسایی عوامل مؤثر بر فساد اقتصادی و راهکارهای مبارزه با آن از دیدگاه مدیران اجرایی و مدیران بنگاه‌های تولیدی بزرگ استان همدان». *پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم اقتصادی*، دانشگاه شهید چمران اهواز.

دادگر؛ حسن، معصومی‌نیا، غلام‌علی؛ (۱۳۸۶)، *فساد مالی*. تهران: کانون اندیشه جوان.

سبحانی تبریزی؛ جعفر، (۱۳۹۱)، *فروع ولایت: تاریخ تحلیلی زندگی امیرالمؤمنان علی (علیه السلام)*. قم: موسسه امام صادق.

سرکشیکیان؛ محمدحسین، (۱۳۸۸) «سازوکارهای مبارزه با مفسد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (علیه السلام)». *فصلنامه کارآگاه*، سال دوم، شماره هفتم، تابستان: ۷۹-۵۷.

شیخ‌الاسلامی؛ محمدعلی، محمدتقی قبولی؛ محمدتقی فخلعی؛ (۱۳۹۷)، «بررسی فقهی حکم درآمدهای ناشی از رانت با استناد به آیه تجارت». *آموزه‌های فقه مدنی دانشگاه علوم اسلامی رضوی*، دوره دهم، شماره هیجدهم، پاییز و زمستان: ۲۶-۳.

العلی، محمد. (۲۰۱۵). *الفساد الإداری: أسبابه وآثاره وطرق مكافحته*. دمشق: دار الفكر.

طبری؛ أبو جعفر محمد بن جریر، (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الأمم و الملوك*. تحقیق: محمد أبو‌الفضل ابراهیم. بیروت: دار التراث.

طریحی؛ فخرالدین بن محمد، (۱۴۰۸ق)، *مجمع البحرین*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

فیض‌الاسلام؛ علی‌نقی، (۱۳۷۹)، *ترجمه و شرح نهج‌البلاغه (فیض‌الاسلام)*. تهران: فقیه.

کلینی؛ آبی جعفر محمد بن یعقوب، (۱۳۶۷)، *الکافی*. تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری. تهران: دار الکتب الإسلامية.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی؛ (۱۴۰۳)، *بحار الانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار علیه السلام*، بیروت: مؤسسه الوفاء.

محقق داماد؛ سیدمصطفی، (۱۳۶۲)، *تحلیل و بررسی احتکار از نظرگاه فقه اسلام*. قم: نشر اندیشه‌های نو در علوم اسلامی.

محمودی؛ محمدباقر، (۱۳۷۶)، *نهج السعادة فی مستدرک نهج البلاغه*. تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

معین؛ محمد، (۱۳۸۴)، *فرهنگ فارسی معین*. تهران: نشر ثامن.

مقری فیومی؛ أحمد بن محمد، (۱۳۹۷ق)، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*. قاهره: دارالمعارف.

ملکیان، مصطفی. (۱۳۸۵). *عدالت در اندیشه سیاسی اسلام*. تهران: انتشارات کویر .

مولایی؛ محمد، (۱۳۹۲)، «آشنایی با اندیشه‌های اقتصادی امام علی(ع) در نهج البلاغه». *پژوهش‌نامه نهج البلاغه*، سال اول، شماره چهارم، زمستان: ۹۴-۱۱۰.

نصر، علیرضا. (۱۳۹۰). *عدالت توزیعی و تأثیر آن بر کاهش فساد اقتصادی*. *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، ۱۶(۴۷)، ۱-۲۰.

نوری طبرسی؛ حسین بن محمد تقی، (بی تا). *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.

یعقوبی؛ احمد بن آبی یعقوب، (بی تا). *تاریخ یعقوبی*. بیروت، دار صادر.

Examples of Economic Corruption and Strategies to Combat it in the Alawi Government

Hossein Fallahi Asl^۱

Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Faculty of Literature and Humanities, Lorestan University, Khorramabad, Iran

Leila Zarei Shahamat

PhD in Nahjul-Balaghah, Faculty of Literature and Humanities, Kashan University, Kashan, Iran

Date of Receipt: ۰۶/۱۰/۲۰۲۴

Date of Acceptance: ۰۸/۰۱/۲۰۲۵

Abstract

The aim of this article is to utilize some of the Alawi teachings in the field of combating economic corruption. Justice is central to Islamic political thought, and the reign of Imam Ali (AS) in Kufa is a perfect model for establishing justice for managers and officials of the Islamic system. In addition, the governance style of Imam Ali (AS), due to his noble personality and the vast territory under his rule, can be a suitable model for preventing, controlling, or reducing crimes in Iran.

This research seeks to examine examples of economic corruption and strategies for combating it using the words of Imam Ali (AS), with a descriptive-analytical method and a narrative approach. The findings of the research indicate that Imam Ali (AS) fought against economic corruption in his society by identifying cases of corruption and monitoring the performance of officials through supervisory institutions and public reports, and ultimately by using repressive tools. In addition to this combating, distinguishing between the crimes of ordinary people and the crimes of officials is a point worth considering that can be a suitable model for policymakers in the field of criminal justice.

Keywords: Nahj Al-Balaghah, Justice, Economic Corruption, Prevention, Punishment

^۱-Corresponding Author: falahi.h@lu.ac.ir